

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

سیاسی	Political
-------	-----------

کاندیدای اکادمیسین سیستانی

۲۰۰۸/ ۹/ ۲

نسل کشی را بس کنید!

خبر بمباردمان روستای عزیزآباد شیندند، در شب ۲۱ ماه اگست، تنها موردی از کشتارهای دسته جمعی نیروهای ائتلاف بین المللی برهبری امریکا نیست، دوشب قبل از آن در ولایت لغمان در یک بمباران دیگر ۱۸ نفر کشته و ۴۲ نفر مجروح شدند و یک هفته قبل از آن در هسکه مینه ننگرهار بر یک محفل عروسی بمباران صورت گرفت که در آن ۴۷ نفر زن و مرد و کودک، بشمول عروس و داماد به قتل رسیدند. و پیشتر از آن در ولایت نورستان یک چنین کشتاری هولناکی از جانب نیروهای خارجی صورت گرفت که بیش از چهل نفر در آن جان های خود را از دست دادند و وقتی والی آن ولایت گواهی داد که کشته شدگان همه مردم غیر نظامی، شامل زنان و کودکان بوده اند، فردای آن والی بجرم حقیقت گوئی برطرف گردید.

واینک در تازه ترین خبر، تلویزیون ملی افغانستان دیشب (اول سپتامبر) گزارش داد که در شب ۳۱ اگست در ولسوالی سنگین هلمند دو قریه بمباران گردیده که در اثر آن دوصد نفر کشته و پنجاه نفر زخمی شده اند. مردم هلمند که از مدت ها بدینسو مورد خشم دو قوت نظامی، یکی قوت های انگلیسی مستقر در هلمند و دیگری قوت های امریکائی قرار گرفته اند، هفت سال تمام است که به عنوان یک ولایت نا آرام هر روز و یا هر هفته مورد بمباران قوت های ناتو و یا قوت های انگلیسی قرار میگیرند و هر قوت بقدر توان خود بخشی از مردم دهات و روستا ها را مثل رشقه از بیخ و بن درو میکنند، بدون آنکه کسی به داد این مردم مظلوم برسد. چند هفته قبل ولسوالی گرمسیر از زنده جان پاک شد، و مردم بومی جان بدر برده از بمبارانهای نیروهای خارجی وقتی به خانه های خود باز گشتند، اثری از خانه و کاشانه خود را نمی یافتند.

منابع ناتو و امریکا، عملیات برضد مخالفان و طالبان را بهانه میکنند و همواره رقم تلفات طالبان را زیاد و از مردم غیر نظامی را اندک نشان میدهند، در حالی که واقعیت چیز دیگری است و شاهدان عینی از کشتار کودکان و زنان و افراد غیر وابسته به طالبان سخن میگویند و مرده های خود را روی دست گرفته، فریاد میزنند که کجاست طالب و کجاست القاعده؟ بیائید و ببینید!

اغلب نیروهای امریکائی و ناتو بر اساس راپورهای غلطی که از طرف افراد وابسته به ائتلاف شمال در بدل پول در اختیار آنان قرار میگیرد، بدون توجه به زندگی مردم ملکی، و بدن در نظر داشت نقاضت های انتبکی و قومی، دهات و یا محافل خوشی و عروسی مردم را نشانه میگیرند و با ریختن بمب های یک هزار کیلوئی به کشتار مردم ما می پردازند، و وقتی صدای اعتراض مردم بلند شود، دولت هیئتی به محل میفرستد، اولاً هیئت سعی میکند تا تعداد تلفات انسانی را بخاطر گل روی امریکا، اندک نشان بدهد (چنانکه در فاجعه ارزگان چنین شد) و ثانیاً اگر هیئت ووالی از حقیقت جانبداری کند و سخن مردم مصیبت رسیده را تأیید نماید، آنگاه است که رهبری قوت های امریکایی میگوید: آنها هم در این مورد تحقیق خواهند کرد و بعد یا نظر هیت موظف را تردید میکنند و یا اینکه تعداد تلفات غیر نظامی را خیلی ناچیز رقم میزنند، بدون آنکه بخاطر کشتار همین تعداد، از مردم و یا از دولت افغانستان معذرت بخواهند، فردای همین گفتگو باز هم برای چندمین بار همان ولایات (از هرات در غرب کشور تا نورستان در شرق کشور) بمباران میشود.

یک مثال فراموش نشدنی فاجعه بمباران دهر اوود ارزگان است که در اول جولای ۲۰۰۲ یک محفل عروسی را در یک شب بمباران کردند و از جمله تخمین چارصد نفر مهمانان محفل حدود ۱۵۰ نفر کشته و ۲۰۰ تن

مجروح شدند، ولی دو هفته بعد هیئت امریکائی از محل دیدن کرد و فقط از ۵۸ نفر تلفات گزارش داد، بدون آنکه کسی به خون این مردم ارزشی قایل شده باشد.

بقول آقای سیاه سنگ "جورج بوش هنگام نشان دادن همدردی به قربانیان ارزگان نه پوزش خواست و نه بار ملامتی را پذیرفت. دونالد رمسفیلد (وزیر دفاع ایالات متحده) نیز از کشته شدن مهمانان در جشن عروسی دهر اوود سخن زد ولی نگفت که اشتباهی در کار بوده است."

جنرال مک نیل سپهسالار امریکا در افغانستان گفت: "نشانه های چشمگیری گواه اند که از همین جشن عروسی بر روی هواپیماهای ما آتش کشوده میشد."

"پارچه های گوشت انسان از شاخچه های درختان دهر اوود آویزان بود. مقامات افغانی ارزگان به گزارشگران گفتند: امریکاییها اینجا آمدند و به مردم اطلاع دادند که دهر اوود را بر اساس گزارش نادرستی که گویا ملا عمر اینجا پنهان شده، بمبارد کرده است." (کابل ناتوه شماره ۳۴)

از آن زمان تا کنون، قوتهای خارجی چه امریکائی و چه ناتو، هر زمان و در هر کجائی که دلشان خواسته بدون هم آهنگی با مسئولین وزارت دفاع افغانستان بر فرق مردم ما در قندهار، هلمند، زابل، پکتیکا و پکتیا و کنر و نورستان و کاپیسا و غزنی و غیره کوبیده اند. در ماه های اخیر هیچ روزی نیست که خبری از بمباران ولایات جنوب و شرق و غرب افغانستان بگوش ما نرسد و تعداد زیادی از مردم ما بر اثر این بمبارانهای تلف نگرند، در حالی که فقر بیداد میکند و بلند رفتن قیمت های مواد اولیه رنگ از رخ مردم بیکار و تهی دست زده است.

یک سال قبل من ضمن مقالتی نوشتم که "آیا میتوان جلو نسل کشی در دوطرف خط دیورند را گرفت؟" و حالا دوباره میخواهم به هوطنان بادر و با درک یاد دهانی کنم که سیاست بمباردمان نیروهای خارجی در کشور، به بهانه مبارزه با تروریسم و القاعده و طالبان، یک سیاست افغان کشی است. هفت سال تمام است، که ولایت جنوب و جنوب شرق کشور که در آنها بیشتر پشتونها زندگی میکنند، مورد بمباران بی دریغ قوتهای خارجی قرار میگیرد و کسی نیست که به داد این مردم برسد و فریادشان را بشنود. هنوز قضیه بمباردمان روستای عزیز اباد هرات ختم نشده که ولسوالی سنگین در هلمند شدیداً بمباران گردید و با ۲۰۰ کشته و ۵۰ تن مجروح تلفات آن از مجموع تلفات شیندند، کاپیسا و لغمان و جلال اباد و نورستان بیشتر شد. تنور حوادث اندوهبار در کشور چنان گرم است که هنوز از غم یک حادثه جانکاه بخود نیامده ای که خبر حادثه غمناک دیگری چون پتک بر اعصاب انسان فرو می آید و راحت انسان با احساس را به زهر هالهل مبدل میکند.

باید فکری به حال مردم مظلوم افغان که از سی سال تمام بدینسو مورد ظلم و خشونت و بمباردمانهای روس و امریکا و نوکران شان قرار دارد، و در حالی که در این مدت شکم اکثریت شان از لقمه نان خشکی سیر نشده است مگر باز هم بر سر کودکان معصومان بمب های چند هزار کیلوئی فرو می ریزد و نابودشان میکند. آخر این وضعیت تا کی باید دوام داشته باشد؟ تا چه وقت باید مردم در ترس و دلهره بسر برند. تا کی باید یکطرف رنج فقر و بیکاری، یک طرف دردمریزی و بی دوائی، یکطرف غم رسیدن زمستان جانسوز و غم بی سرپناهی، یک طرف ترس از تجاوز بر کودکان ۴- ۵- ۶- ۷ ساله و بی بازخواستی، یک طرف دلهره بمباری نیروهای خارجی، زندگی شان را به جهنم روی زمین مبدل کند؟

مردم درد رسیده و رنج بمباران کشیده افغان! اکنون که حکومت وابسته و بی شیمه و سنای بی شیمه تر از آن عملیات خود سرانه و بی دریغ قوتهای ناتو و امریکا را در کشور تقبیح کرده و خواهان توقف آن شده است، ولی کس به دهن آنها پیاپی پوست نمیکند، و به بمباردمانهای دهات و روستای ما ادامه میدهند، می بایستی صدای اعتراض خود را هرچه رساتر در مقابل بمباردمانهای کور نیروهای خارجی بلند کنید! به خیابانها و جاده ها بیرون بریزید و برضد سیاست پلید جورج بوش شعار بدهید و از طریق رسانه های بین المللی اعتراض خود را به گوش مردم متمدن دنیا و منجمله امریکا برسانید تا بر حکومت خود فشار وارد کنند که دست از بمباردمان مردم ملکی ما بگیرند. و اگر واقعاً میخواهند برضد تروریسم و القاعده مبارزه کنند، باید القاعده را در کشور پاکستان جستجو نمایند نه در افغانستان که بمباران مردم ما جز ناکامی و شکست نتیجه یی برای امریکا و ناتو در پی نخواهد داشت. پایان